

به نام خدا



وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

(ایرانداک)

خلاصه گزارش طرح پژوهشی سازمانی

عنوان طرح پژوهشی

شناسایی و دسته‌بندی موانع و پیشران‌های استفاده از داده‌های رسانه‌های اجتماعی در سیاستگذاری علم و فناوری در ایران

تاریخ شروع طرح پژوهشی	۱۴۰۰/۸/۲۲	تاریخ پایان طرح پژوهشی	۱۴۰۱/۱۲/۲۱
-----------------------	-----------	------------------------	------------

نام و نام خانوادگی مجری طرح پژوهشی	سمیه لبافی
نام و نام خانوادگی همکاران طرح پژوهشی	-

درباره طرح پژوهشی

کاربرد داده رسانه‌های اجتماعی در زمینه‌ی سیاستگذاری، حوزه نوینی است که اخیراً پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. اگر چه تحلیل داده رسانه‌های اجتماعی پدیده‌ی جدیدی نیست و در چند سال گذشته محققان و متخصصان با روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی به تحلیل این بخش از کلان داده در کشورها، پرداخته‌اند اما کاربرد این نوع از داده و تحلیل آن در زمینه‌ی سیاستگذاری موضوع جدیدی است که در سه سال اخیر کارهای مختلفی در رابطه با آن انجام شده است. استفاده از این داده می‌تواند باعث بهبود تصمیم‌گیری‌ها و در نهایت عملکرد بهتر دولت‌ها شود. درحالی که شواهدی از کاربست محدود داده رسانه‌های اجتماعی در سیاستگذاری توسط دولت‌ها وجود دارد اما اینکه چالش‌ها و فرصت‌های چنین کاربستی چیست؟ بررسی نشده است. جنبه‌های تاریک این پدیده جدید باعث می‌شود، بهره‌برداری از این داده‌ها توسط دولت‌ها کند و یا در جهت خلاف منافع عمومی انجام شود. هدف این پژوهش در مرحله اول، شناسایی موانع و پیشران‌های استفاده از داده رسانه اجتماعی در فرایند سیاستگذاری بوده است. در مرحله دوم پژوهش نیز، هدف شناسایی پیشران‌ها و موانع استفاده از داده رسانه اجتماعی توئیت‌ر در فرایند سیاستگذاری علم و فناوری در ایران بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی می‌باشد و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها در حوزه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. این پژوهش، در مرحله اول با استفاده از روش‌شناسی مرور نظام‌مند، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخت. در مرحله دوم نیز از روش تحلیل مضمون و ابزار مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته با ۱۳ نفر از خبرگان حوزه سیاستگذاری علم و فناوری، استفاده کرده است. این کار اولاً با هدف بررسی و انتخاب رسانه اجتماعی مناسب جهت دست‌یابی به اهداف پژوهش بوده که پژوهشگر در پی پاسخ به این سوال بوده است که در پژوهش‌های انجام شده تاکنون کدام یک از رسانه‌های اجتماعی در حوزه سیاستگذاری کاربری داشته‌اند؟ همچنین هدف دیگر این مرور نظام‌مند، شناسایی موانع و پیشران‌های استفاده از این نوع داده، در سیاستگذاری‌ها بوده است. برای این منظور، پایگاه‌های اطلاعاتی «وب آو ساینس» و «اسکوپوس» جستجو گردید. از سوی پژوهشگران فرایندهای متفاوتی برای انجام مرور نظام‌مند معرفی شده است اما به طور کلی مبنای این فرایندها مشابه یکدیگر است. پژوهشگر برای انجام مرور نظام‌مند از فرایند هشت مرحله‌ای اوکلی و شابرام (۲۰۱۰)، بهره گرفته است. همچنین از رویکرد کیف پارادایمی برای دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل محتوای مقاله‌ها استفاده شده است.

یافته‌های طرح پژوهشی

نتایج مرحله اول پژوهش نشان داد، موانع موجود بر سر راه کاربری رسانه اجتماعی در فرایند سیاستگذاری را می‌توان در قالب ۱۵ موضوع اصلی شامل: عدم توانایی استخراج کامل داده رسانه‌های اجتماعی، عدم قابلیت تکرار پذیری تحلیل داده‌ها، تحلیل داده رسانه‌های اجتماعی با نیاز سیاستگذار تناسب کمی دارد، ابهام در سنجش اعتبار تحلیل داده رسانه‌های اجتماعی، عدم مشارکت همه کاربران متخصص و آگاه به موضوع در تولید داده، عدم پراکندگی جغرافیایی داده‌ها، مسائل مرتبط با نقض حریم خصوصی کاربران، ترس کاربران از کنترل افراد توسط دولت‌ها به واسطه دسترسی به داده‌ها، نماینده بودن داده‌های مورد استفاده برای موضوع مورد بررسی، پیچیدگی‌های فنی تجزیه و تحلیل داده‌های رسانه‌های اجتماعی، عدم آمادگی سیاستگذار برای پذیرش شواهد غیر رسمی، توسعه نیافتگی ابزارهای فنی تشخیص شواهد از غیر شواهد در رسانه‌های اجتماعی، عدم انطباق داده رسانه اجتماع با شاخص‌های سنتی شواهد، ایجاد تعصب و قطبیت در روند تولید شواهد، فرهنگ حاکم بر فرایند سیاستگذاری، دسته‌بندی نکرد. همچنین پیشران‌های موجود در این مسیر در قالب ۱۴ موضوع شامل: حجم بالای داده‌های قابل استخراج از رسانه‌های اجتماعی، تنوع داده‌های موجود در رسانه‌های اجتماعی، قابلیت بهره‌برداری از ویژگی صرفه به مقیاس در سمت تولیدکننده داده، شکل‌گیری سیستم‌های یادگیری اجتماعی، قابلیت ارتباط پویای کنشگران تولیدکننده شواهد، توسعه مداوم تحلیل داده رسانه‌های اجتماعی، تمایل سیاستگذار به پایش‌های اجتماعی، فراگیری رسانه‌های اجتماعی و مشارکت حداکثری کاربران در آن، نمونه‌گیری مبتنی بر مشارکت و درگیرسازی کاربران، دسترسی لحظه‌ای سیاستگذار به داده رسانه‌های اجتماعی، قابلیت نمایش قانون‌های تأثیرگذار در تولید شواهد در رسانه‌های اجتماعی، تولید شواهد غیر رسمی تخصصی در حوزه‌های گوناگون، هزینه پایین تولید شواهد، گسترش دامنه شواهد به شواهد غیر رسمی قابل دسته‌بندی است.

نتایج مرحله دوم پژوهش در قالب ابعاد اصلی پیشران‌ها و موانع استفاده از داده رسانه اجتماعی توئیت در فرایند سیاستگذاری علم و فناوری در ایران، دسته‌بندی گردید. نتایج نشان داد: موانع شناسایی شده در خصوص کاربری داده‌های رسانه اجتماعی توئیت در

سیاستگذاری علم و فناوری ایران را می توان در قالب ۵ بعد دسته بندی کرد. این ابعاد شامل: انگیزه پایین کاربران متخصص برای مشارکت و تولید داده در توئیت در حوزه سیاستگذاری علم و فناوری، موانع فنی استخراج داده های کاربران از رسانه های اجتماعی توئیت، عدم تکامل روش ها و ابزارهای تحلیل داده های توئیت متناسب با نیاز سیاستگذار علم و فناوری، حساسیت کاربران توئیت به نقض حریم خصوصی شان در جمع آوری داده ها، عدم تطابق فرهنگ و ایدئولوژی سیاسی حاکم بر فرایند سیاستگذاری علم و فناوری در ایران با فرهنگ حاکم بر رسانه اجتماعی توئیت، است. پیشران های شناسایی شده در خصوص کاربرست داده های رسانه اجتماعی توئیت در سیاستگذاری علم و فناوری ایران را نیز می توان در ۷ بعد دسته بندی کرد. این ابعاد شامل: حجم بالای داده های (شواهد) حوزه فناوری در توئیت، امکان دسترسی لحظه ای به شواهد حوزه علم و فناوری توسط سیاستگذار در این رسانه اجتماعی، هزینه پایین تولید شواهد از رسانه اجتماعی توئیت، کیفیت بالای شواهدی سیاستی حوزه علم و فناوری در توئیت، قابلیت تولید گفتمان های عمومی در حوزه علم و فناوری در توئیت، قابلیت در گیسازی متخصصان حوزه علم و فناوری در توئیت، پذیرش گسترش طیف شواهد به شواهد غیر رسمی توسط سیاستگذار علم و فناوری، است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

تلاش های عملی و نظری تأمین شواهد از کاربران رسانه های اجتماعی و همچنین قابلیت های جدید برای حمایت از این تلاش ها، چند سالی است که مشاهده می شود. اکنون قابلیت های جمعی داده های رسانه های اجتماعی به عنوان شواهد سیاستگذاری و درک توانایی های مورد نیاز سیاستگذاران برای استفاده از این داده ها به عنوان شواهد، مورد توجه بیش از پیش این حوزه قرار گرفته است. از اینرو پرداختن به این موضوع مهم و تلاش در راستای شناسایی موانع و پیشران هایی که بر سر این موضوع وجود داشته و دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. در نظر گرفتن موانع و پیشران ها و اهمیت دادن به هر دو آنها به یک اندازه می تواند مسیر سیاستگذاری ها را کارا تر نماید. در نهایت موانع و پیشران ها در قالب نمودار استخوان ماهی ارائه شده است. نتایج نشان داد که تعیین کننده های (موانع و پیشران ها) اصلی اثر گذار بر کاربرست داده رسانه اجتماعی در سیاستگذاری علم و فناوری بر درک سیاستگذار در ایران از این نوع از شواهد تاثیر گذار بوده و استفاده از آن را پیش بینی می کند. از نظر استفاده از داده های رسانه های اجتماعی در سیاستگذاری، نمی توان تصور کرد که این میزان از مشارکت های آنلاین، همیشه حاوی دانش مفیدی باشند. واقعیت های استفاده از داده در سیاستگذاری حاکی از آن است که کلان داده ها همیشه دارای سوگیری هایی هستند که به طور چشمگیری در فعالیت ها و مراحل سیاست گذاری تفاوت ایجاد می کنند. به طور کلی از فناوری اطلاعات و ارتباطات انتظار می رفت که شواهد محکمی را از طریق داده های ذخیره شده در سیستم های اطلاعاتی ارائه دهند اما این امر با مشکلاتی تاکنون مواجه بوده است و نمی توان این مسیر را بدون موانع دانست. پژوهشگران این حوزه تلاش کرده اند شیوه ها و تحلیل هایی که می تواند داده های رسانه های اجتماعی را برای سیاستگذار مناسب گرداند بررسی کنند و بهترین مدل ها و یا روش ها را ارائه دهند. اما هر چقدر که مدل ها و الگوهای کاربرست داده های رسانه های اجتماعی در رابطه با کاربرست این بخش از شواهد سیاستگذاری، خوب کار کنند باز شاهد کاربرست سیستماتیک این داده ها در سیاستگذاری ها نبوده و نیستیم. در این راستا موانعی وجود دارد که تنها با شناسایی و تلاش برای تعدیل آنها می توان امید به بهبود خروجی سیاستگذاری ها و کارا تر شدن آن، داشت.